

خبر

رئیس دستگاه قضا:

همکاران قوه قضائیه هیچ‌گونه ناسلامتی و فساد را برنمی‌تابند

● ایست! رئیس قوه قضائیه با تقدیر از اقدام جهادی همکاران دستگاه قضا در تهران برای رسیدگی به پرونده‌های معوقه و تعیین تکلیف بیش از ۵۰ درصد آنها در نیمه نخست امسال عنوان کرد؛ کشف حقیقت از پس غبارها، فضا سازی‌ها و مدرک‌سازی‌ها مهم‌ترین وظیفه قضات است. ابراهیم رئیسی عنوان کرد: همه کسانی که با قوه قضائیه مرتبط هستند باید بدانند همکاران این مجموعه سالم و پاک، هیچ‌گونه ناسلامتی و فساد را برنمی‌تابند. او همچنین ضمن اعلام موافقت برای رسیدگی خارج از نوبت به پرونده‌های کثیرالاشاکي که پیچیدگی‌های این نوع پرونده‌ها هم اشاره کرد و هم به قضات و هم به مدیران مجموعه‌های قضائی توصیه کرد در رسیدگی به این پرونده‌ها و برای تسریع در حصول نتیجه مطلوب، مشورت و هم‌اندیشی و انتقال تجربه را مورد توجه قرار دهند.

ادامه از صفحه اول

ایرادهای قانونی و اخلاقی بازدید قالیباف از بخش کرونا

۴- ممنوعیت حضور افراد غیر از کادر درمان در بخش کرونا از جمله مقررات بیمارستانی است. قاعدتا این ممنوعیت اگر استثنائیه هم داشته باشد، ناشی از ضرورت‌های درمانی است؛ مثلا برای بردن و آوردن تجهیزات درمانی یا تعمیر آنها توسط کارکنان بخش‌های فنی یا برای بازدیدهای بازرسان بخش درمان و امثال اینها. بازدید یک مقام سیاسی، هیچ ربطی به درمان بیمار نمی‌تواند داشته باشد. در واقع وقتی مقررات بیمارستانی بخش کرونا را ممنوع‌الملاقات می‌دانند، حضور یک مقام سیاسی در این بخش، خلاف مقررات است.

۵- مهم‌ترین دلیل ممنوع‌الملاقات بودن بخش کرونا، جلوگیری از انتشار ویروس است. دستورالعمل‌های متعدد ستاد مقابله با کرونا و سختی‌هایی که مردم دارند تحمل می‌کنند، همه به‌خاطر آن است که ویروس کمتر منتشر شود و کمتر مردمان را به کام مرگ بکشد. قالیباف به‌تغیالی وارد بخش کرونا نشده است، فیلم‌بردار و صدابردار و خبرنگار و هیئت همراه او بوده‌اند. همه اینها ممکن است عوامل انتشار ویروس باشند. مقررات بیمارستانی و ستاد مقابله با کرونا رعایت نشده است.

۶- اگر قرار باشد همه مقررات نقض شوند و کسانی غیر از کارکنان بخش درمان به بخش کرونا وارد شوند و بیماران را ببینند، اعضای خانواده بیماران مقدم هستند یا یک مقام سیاسی؟ آن بیمار مبتلا به کرونا که روزها دور از عزیزان بر بستر بیماری آرمیده است و هیچ پیدا نیست که به خانه خواه بازگشت یا نه، از دیدن همسر، فرزند، برادر، خواهر، پدر یا مادرش خوشحال و خرسند خواهد شد یا دیدن آقای محب‌دقار قالیباف و هیئت همراه یا هر مقام سیاسی دیگر؟

۷- گفته‌اند قالیباف همه پروتکل‌ها را رعایت کرده است. اگر با رعایت پروتکل‌ها می‌توان از بخش کرونا بازدید کرد، چرا به بستگان و عزیزان بیماران اجازه داده نمی‌شود که با رعایت پروتکل‌ها از عزیزانشان در بخش کرونا عیادت کنند و آنها را ببینند؟

۸- چهره بیماران در بیمارستان می‌هیج تردیدی حريم خصوصی آنهاست. هیچ دوربینی نمی‌تواند از آنها فیلم

و عکس تهیه و منتشر کند. به‌ویژه به این دلیل که آنها معمولا در شرایطی نیستند که از خود بتوانند دفاع کنند. هر بهربرداری تبلیغی از بیماران، خواه تبلیغ سیاسی یا هر تبلیغ دیگر، نقض حريم خصوصی آنهاست.

۹- کسانی که در مجاورت بیماران مبتلا به کرونا قرار می‌گیرند، فقط خود را در معرض خطر قرار نمی‌دهند، بلکه بیشتر و مهتر، جامعه را با مخاطره مواجه می‌کنند و حق سلامت عمومی را به خطر می‌اندازند. دیگر آن‌قدر گفته نشده که همه می‌دانند بسیاری از افراد ممکن است خودشان مبتلا نشوند، ولی ناقل باشند. وقتی که هیئت چندنفره و مفصل غییرزشکی، همراه با گروه فیلم و خبر وارد بخش آی‌سی‌یو می‌شوند که در آن بیماران بدحال کرونايي بستری‌اند، طبیعی است که احتمال انتشار ویروس بسیار بالا برود.

۱۰- آقای قالیباف برای آگاهی از وضعیت کارکنان بخش درمان می‌توانست بدون حضور در بخش

بیماران کرونايي با پزشکان و پرستاران جلسه‌ای در یک سالن بیمارستان بگذارد. برای اطلاع از وضع این عزیزان فداکار نیازی به حضور در بخش نبود، به‌ویژه اینکه آقای قالیباف فاقد تخصص پزشکی است و

مشاهده عینی بخش و لوازم و تجهیزات و این‌طور چیزها برای ایشان موجب هیچ شناختی نمی‌شود.

۱۱- همه ماجرا این است که آقای قالیباف صرفا به اتکای قدرت، بازدیدي انجام داده که مغایر با این معیارهای حقوقی و اخلاقی است. در واقع در اینجا نقض قانونی همراه با یک تبیيع ناروا بوده است. اتفاقا قالیباف به اتکای قدرت، خود و هیئت همراه را از این موازین مستثنا دانسته است. در واقع قدرت موجب شده ایشان برای خود این امتیاز را قائل باشد که خلاف مقررات ستاد ملی مقابله با کرونا و دستورالعمل‌های بیمارستانی در حالی از بخش بیماران بدحال کرونا بازدید کند که حتی عزیزان این بیماران مجاز به عیادت نیستند.

هاشمی‌رفسنجانی در میان انبوه

انتقادهای چپ‌های سابق که آرام‌آرام با عنوان اصلاح‌طلبان شناخته می‌شدند، کار خود را تمام کرد؛ انتقادهایی که بیشترش معطوف به بسته‌بودن فضای سیاسی و بی‌توجهی هاشمی به بحث‌هایی از جنس آزادی بیان، توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی بود. به باور بسیاری از کنشگران سیاسی آن دوران رای مردم به خاتمی نوعی نفی سیاست‌های هاشمی محسوب می‌شد. البته که در آن دوران هاشمی هنوز به‌عنوان نماینده خوانش رسمی سیاست‌ورزی در ایران شناخته می‌شد و هنوز تحول سیاسی و فکری او آغاز نشده بود و به همین دلیل چندان عجیب هم نبود که بدنه اجتماعی که معمولا دربی اصلاح‌امورند، نسبت به سیاست‌های دولت‌های پنجم و ششم منتقد باشند.

دوم خرداد ۷۶ و پیروزی انتخاباتی خاتمی

در هفتم آبان ۱۳۷۵ بود که میرحسین موسوی گزینه قاطع نیروهای چپ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که در این انتخابات کاندیدا نمی‌شود. سپس در ۲۳دی همان سال مجمع روحانیون مبارز نام سیدمحمد خاتمی، وزیر ارشاد دولت هاشمی را به‌عنوان کاندیدیای خود اعلام کرد و در ۱۳بهمن حضور سیدمحمد خاتمی قطعیّت پیدا کرد. بسیاری از مردم و به‌خصوص تحول‌خواهان بر این باور بودند که خاتمی شاید برنده این انتخابات نباشد اما حضورش در عرصه، تئور انتخابات را داغ خواهد کرد. در این حین بسیاری از صاحب‌نظران جناح‌های مختلف به بررسی این حضور و اظهارنظر نباشد اما حضورش در عرصه، تئور انتخابات را داغ خواهد کرد. در این حین بسیاری از صاحب‌نظران جناح‌های مختلف به بررسی این حضور و اظهارنظر می‌شود. در نیمه دوم اسفند ۱۳۷۵ برخی از اعضای حزب کارگزاران سازندگی نیز به جمع حامیان محمد خاتمی پیوستند. این ائتلاف ازسوی جناح رقیب غیرممکن و سؤال‌برانگیز محسوب می‌شد؛ اگرچه این سؤال در ۲۷ اسفند ۷۵ ازسوی عطاءالله مهاجرانی و بسیاری از باران خاتمی پاسخ داده شد اما همچنان جناح مقابل، به این ائتلاف با تعجب می‌نگریست. در هفته می‌شد که در صورت پیروزی محمد خاتمی در انتخابات در مجموعه حامیان محمد خاتمی اختلاف پیدا می‌شود.

در اسفند همان سال اکثر احزاب و گروه‌های دست‌راستی، حمایت خود را از علی‌اکبر ناطق‌نوری اعلام کردند. البته برخی از آنها از دومین کاندیدای جناح راست یعنی محمد محمدی‌ری‌شهری حمایت کردند و مجمع روحانیون مبارز، حزب کارگزاران سازندگی، ائتلاف گروه‌های خط امام و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران از خاتمی حمایت کردند.

انتخابات در دوم خرداد۷۶ برگزار شد و محمد خاتمی با کسب ۲۰میلیون و ۷۸هزار و ۱۷۸ رأی در دور نخست با قاطعیّت پیروز انتخابات شد و بعد از آن به‌ترتیب علی‌اکبر ناطق‌نوری با هفت‌میلیون و ۲۴۲هزار و ۸۵۹ رأی، رضا زواره‌ای با ۷۷۱هزار و ۴۶۰ رأی و محمد محمدی‌ری‌شهری با ۷۴۴هزار و ۲۰۵ رأی قرار گرفتند.

استیضاح عبدالله نوری

دوره اول خاتمی دوره آرامی از نظر رخدادهای سیاسی نبود و اگرچه دولت می‌کوشید که هم از نظر اقتصادی و هم از نظر سیاسی شرایط را ثباتی را فراهم کند اما در مجموع به دلیل فشارهای خارج از دولت رخدادهایی به وقوع می‌پیوست که خاتمی در ذکر آنها می‌گفت «هر روز یک بحران» در دولت وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های مهم دوره اول ریاست‌جمهوری خاتمی استیضاح عبدالله نوری از وزارت کشور از سوی مجلس راست‌گرای پنجم بود. جناح راست یا همان اصولگرایان در ۲۰خرداد سال ۷۷ در مجلس شورای اسلامی با ۱۳۷ رأی از مجموع ۲۷۰نماینده حاضر در جلسه استیضاح نوری را برکنار کردند. نمایندگان دلایل استیضاح او را به دادن مجوز برای راهپیمایی‌ها و دفاع از غلامحسین کرباسچی، شهردار وقت تهران، عنوان کرده بودند. خاتمی پس از آن او را به معاونت توسعه سیاسی رئیس‌جمهور منصوب کرد.

استیضاح واستعفاي مهاجرانی

عطاءالله مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت خاتمی هم در معرض استیضاح قرار گرفت، به نحوی که ۳۰نماینده مجلس در سال۷۸ خواستار استیضاح مهاجرانی شدند اما او توانست در جلسه استیضاح رای اعتماد بگیرد که البته بعد از آن خود مهاجرانی از سمتش استعفا داد. در آذرماه آن سال رهبر انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نارضایتی خود از عملکرد مهاجرانی را به‌صراحت بیان کردند و گفته بودند: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی ظاهرا نیت و خودشان را نارضایتی خود از عملکرد مهاجرانی را به‌صراحت بیان کردند و گفته بودند: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی ظاهرا نیت و خودشان را نارضایتی خود از عملکرد مهاجرانی را به‌صراحت بیان کردند و گفته بودند: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی ظاهرا نیت و خودشان را نارضایتی خود از عملکرد مهاجرانی را به‌صراحت بیان کردند و گفته بودند: «من از وزارت ارشاد توقع دارم. البته آقای مهاجرانی ظاهرا نیت و خودشان را نارضایتی خود از عملکرد مهاجرانی را به‌صراحت بیان کردند و گفته بودند: «من از وزارت ارشاد، راضی نیستم».

قتل‌های زنجره‌ای

یکی دیگر از بحران‌های تلخی که در دوران اول



خاتمی به وقوع پیوست، قتل‌های زنجره‌ای بود، قتل‌هایی که باعث مرگ تعدادی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی شد. با توجه به حساسیت شدید جامعه نسبت به قتل‌ها و وعده خاتمی برای مجازات عاملین آن، بلافاصله به دستور او کمیته‌ای ویژه، مرکب از علی یونسى، رئیس وقت سازمان قضائی نیروهای مسلح؛ علی سردی، معاون وزیر اطلاعات و علسی ربیعی، مسئول اجرائی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مسئول پیگیری قتل‌ها شدند. علی ربیعی یکی از اعضای کمیته تحقیق خاتمی درباره چگونگی شناسایی و دستگیری متهمان گفته بود: «ما به افراد عمده این گروه یعنی عالیخانی و سعید امامی(اسلامی)، بدون تردید شک داشتیم و حس قوی می‌زدیم که قتل‌ها کار آنهاست؛ بنابراین برنامه‌ای در یک جلسه ریخته شد که من یقین داشتم به کوش سعید امامی می‌رسد. در آن جلسه گفتیم که قرار است در چند روز آینده این افراد دستگیر شوند و اتفاقا با آقای یونسى نیز هم‌نظر بودیم. بحث بازداشت به ضعیف‌ترین این حلقه، فشار وارد کرد و به نظر من موسوی حلقه ضعیف آنها بود.

اینها می‌خواستند مسئله را سریع‌تر بگویند که بله این کار را که کردیم تشکیلاتی بود و این، آنها را شکست. ساعت حدود ۱۲اشب بود که بنده در منزل بودم و کسی زنگ زد و گفت با شما کار دارند. رفتم دم در و دیدم که بله! یکی از همین متهمان به در منزل آمده است. با او قرار گذاشتم که فردا به اداره بیاید و بعد با من صحبت کنیم. او صبح به اداره آمد و ماجرای قتل‌ها را به من گفت. حدود سه ساعت از ۹ صبح تا یک بعدازظهر بخشی از این مسائل را این فرد گفت. من همانجا به آقای خاتمی تلفن زدم که به نظر من قصه روشن و باز شده است. حداقل این است که بخش‌های عمده‌ای از حدسیات ما درست بوده و می‌توان آن را پیگیری قضائی کرد». کمیته تحقیق بعد از چندی منحل شد. ربیعی درباره منحل‌شدن آن هم گفته بود: «در همان زمان جناب آقای نیازی با بنده صحبت کردند و ایشان فرمودند که اگر کمیته اعلام انحلال کند، ما را با مشکل مواجه می‌کند. مردم تصور می‌کنند که رئیس‌جمهور پشت این پرونده نیست و با این چوبی که در جامعه هست، کار ما با مشکل مواجه می‌شود. شما این را اعلام نکنید. من نظر آقای نیازی را خدمت آقای رئیس‌جمهوری عرض کردم و در واقع آقای رئیس‌جمهوری هم متقاعد شدند که انحلال کمیته اعلام نشود». با اصرار خاتمی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۵دی۱۳۷۵ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که عده‌ای از اعضای آن وزارتخانه در طراحی قتل‌ها دست داشته‌اند.

استعفاي وزیر اطلاعات در جریان قتل‌های زنجره‌ای

بهمن‌ماه قربانعلی دری‌نجف‌آبادی، وزیر اطلاعات وقت، از سمت خود استعفا داد. نجف‌آبادی بارها در مصاحبه‌ها گفته بود که از قتل‌های صورت گرفته توسط پرسنل وزارت اطلاعات، بی‌اطلاع است. دادستان مجتمع قضائی نیروهای مسلح هم چند نفر از مسئولان عالی‌رتبه وزارت اطلاعات را دستگیر کرد. از این افراد می‌توان به سعید امامی، مشاور وزارت و معاون سابق امنیت و طبق گزارش‌های رسمی اندیشجویی به نام عزت ابراهیم‌نژاد در جریان درگیری‌ها کشته شد. حمله شبانه به کوی دانشگاه با واکنش شدید مسئولان دستگاه‌های مختلف دولتی مواجه شد؛ از آن جمله استعفاي مصطفی معین، وزیر علوم وقت بود که در واکنش به این موضوع رخ داد. روزنامه همشهری ۲۱ تیر ۷۸ در خبری نوشت: در پی وقوع حوادث دلخراش و تأثیربرانگیز شب جمعه کوی دانشگاه تهران که در آن دانشجویان مستقر در خوابگاه مورد تعرض قرار گرفتند، دکتر مصطفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، در اعتراض به این عمل استعفاي خود را به رئیس‌جمهوری تقدیم کرد. رئیس‌جمهور وقت، به سمت معاونت خود برگزیده است». سعید امامی همچنان به‌عنوان یکی از متهمان اصلی قتل‌های زنجره‌ای در زندان بود تا آنکه گفته شد با خوردن داروی نفاظ خودکشی کرده است که البته افرادی مانند روح‌الله حسینیان بر این موضوع شبهه‌هایی وارد کردند.

سال‌ها بعد یعنی در تیرماه سال۹۸ مصطفی پورمحمدی در گفت‌وگویی با نشریه «مثلث» گفت

سیاست

آنچه در دولت اول سیدمحمد خاتمی گذشت



که سعید امامی نهایتا مشاور بود و مقام تصمیم‌گیری نداشت: «آنهايي که دستگیر شدند و اعتراف کردند، گفتند که آقای سعید امامی، مشاور وزیر بود و نهایتا به‌عنوان مشاور از ایشان استفاده کرده بودند. مدیر پروژه که نبود، مدیر تصمیم‌گیری نبود، نه مقام تصمیم‌گیری داشت، نه مقام طراحی و اجرا داشت، حداکثر با ایشان مشورت کردند که ما از ایشان سؤال کردیم، گفت نه، من در این کار نبودم، تا آخرین لحظه هم حرفش این بود که من نبودم».

او همچنین ذکر کرد که آن قتل‌ها به‌دست نیروهای خودسر رخ نداد: «در بحث قتل‌های زنجره‌ای که شما بحث خاصتان خودسربودن بود، نه آن بخش وزارت اطلاعات هیچ خودسر نبودند. شاید مدیرانش یک‌سری تصمیمات بد می‌گرفتند، ما داشتم جاهایی که خود من موضع و انتقاد داشتم که بپذیرد کردند این تصمیم را گرفتند… در یک بخشی بود در گپ‌های مباحثاتی با دوستانمان صحبت می‌کردیم، می‌گفتم که این سیاست را قبول ندارم، نباید این‌چور باشید، اما این‌چور نبود که از دست رها باشد؛ حتی این داستان قتل‌های زنجره‌ای در سیستم اتفاق افتاد، جانشین امنیت، یعنی معاونت امنیت، جانشینش مدیر این پروژه بود که گرایش چپ داشتند؛ یعنی جایی نبود که پنج نفر خودسره‌انه آمده باشند دست به این کار زده باشند. اینها برای خودشان تحلیلی داشتند و فکر می‌کردند طبق آن تحلیل باید به نظام خدمت کنند و اصلاح‌طلبان را از ورطه خطرناکی که در آن خواهند افتاد، نجات دهند؛ تحلیلشان هم این بود که ضدانقلاب دارد به اصلاح‌طلب‌ها می‌چسبد و ما ناچاریم دوباره حوادث سال ۶۰ و جنگ‌های خیابانی را تکرار و تجربه کنیم».

برگزاری نخستین انتخابات شوراها

یکی از مهم‌ترین اتفاقات در دولت اول خاتمی برگزاری انتخابات نخستین دوره انتخابات شوراهاى شهر و روستا بود؛ ظرفیتی قانونی که باوجود آنکه در قانون اساسی مبسوط به آن پرداخته شده است اما تا آن زمان به منصفه ظهور در نایمده بود؛ موضوعی که اتفاقا آیت‌الله طالقانی به‌شدت بر آن تأکید داشت. انتخابات اولین دوره شوراها در هفتم اسفند۷۷ برگزار شد و حدود ۱۸هزار نفر اعضای اصلی و علی‌البدل شوراها را در سراسر کشور برگزیدند. مجموع مشارکت نزدیک به ۲۴میلیون نفر بود. وزارت کشور دولت خاتمی برگزارکننده این انتخابات بود.

اعتراضات تیر ۷۸

بسته‌شدن روزنامه سلام به مدیرمسئولی سیدمحمد موسوی‌خویني‌ها کافی بود تا دانشجویان به این تصمیم اعتراض کنند. با وجود اینکه این تجمع با شعارهای تندى همراه بود، اما در ساعات پایانی شب به آرامی پایان یافت. بااین‌حال بامداد روز ۱۸تیر گروهی از نیروهای لباس‌شخصی با همراهی برخی مأموران، ضمن حمله به کوی دانشگاه، دانشجویان را مورد ضرب‌وجرح قرار داد، عده‌ای را بازداشت کردند. این حمله موجی از اعتراضات را در دانشگاه تهران و پس از آن تبریز، ایجاد کرد. ماجرا در روزهای بعد با خروج دانشجویان از محیط کوی به ناآرامی‌هایی در سطح تهران تبدیل شد و درپی ورود گروه‌های غیردانشجو به خانه‌ها، کار به درگیری کشید و طبق گزارش‌های رسمی اندیشجویی به نام عزت ابراهیم‌نژاد در جریان درگیری‌ها کشته شد.

حمله شبانه به کوی دانشگاه با واکنش شدید مسئولان دستگاه‌های مختلف دولتی مواجه شد؛ از آن جمله استعفاي مصطفی معین، وزیر علوم وقت بود که در واکنش به این موضوع رخ داد. روزنامه همشهری ۲۱ تیر ۷۸ در خبری نوشت: در پی وقوع حوادث دلخراش و تأثیربرانگیز شب جمعه کوی دانشگاه تهران که در آن دانشجویان مستقر در خوابگاه مورد تعرض قرار گرفتند، دکتر مصطفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، در اعتراض به این عمل استعفاي خود را به رئیس‌جمهوری تقدیم کرد. رئیس‌جمهور وقت، به سمت معاونت خود برگزیده است». سعید امامی همچنان به‌عنوان یکی از متهمان اصلی قتل‌های زنجره‌ای در زندان بود تا آنکه گفته شد با خوردن داروی نفاظ خودکشی کرده است که البته افرادی مانند روح‌الله حسینیان بر این موضوع شبهه‌هایی وارد کردند.

سال‌ها بعد یعنی در تیرماه سال۹۸ مصطفی پورمحمدی در گفت‌وگویی با نشریه «مثلث» گفت

دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرنگار صداوسیما گفت: «حادثه کوی دانشگاه فوق‌العاده تلخ بود. البته من نظر خود را پیش از این اعلام کرده‌ام. این حرکت و اهانت به دانشگاه و محیط علم و برخورد خشونت‌آمیز با دانشجویان برای همه ما غیرقابل تحمل بود و به این جهت، بلافاصله کمیته ویژه‌ای از طرف دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل شد و به تأیید رهبر معظم انقلاب رسید و کار خود را با جدیت ادامه داده و می‌دهد».

کمیته ویژه بررسی وقایع کوی دانشگاه روز ۲۴ تیر ۷۸ در بخشی از گزارش خود آورد: «… مجموعه گزارش‌های رسیده و اظهارات بیان‌شده در کمیته تحقیق نشانگر آن است که بین ۲۵ تا ۳۰ نفر نیروی شخصی غیروابسته به نیروی انتظامی از فرصت استفاده کرده و وارد کوی شده‌اند. سرپرست ناحیه انتظامی تهران بزرگ اظهار می‌دارد این افراد از در دانشکده فنی وارد شده‌اند. در این مرحله سه سرباز وظیفه جمعی یگان ویژه نائب گروهان شهید دستغیب اظهار داشته‌اند هنگامی که از طبقه سوم به پایین می‌آمدیم، مشاهده کردیم درگیری محمل را ترک کرده‌اند و تعداد زیادی دانشجو در راه‌پله‌ها حضور دارند. آنها مجدداً به سمت پشت‌بام برمی‌گردند و از آنجا حضور خود را به نیروهای انتظامی از بالای پشت‌بام اعلام می‌نمایند. تعدادی دانشجو، با مشاهده سربازان، آنها را گروگان می‌گیرند. نام‌بردگان اظهار می‌دارند تعدادی دانشجوی عصبی به سمت آنان حمله‌ور شده و قصد ضرب‌وشتم آنها را داشته‌اند و آنها را با خشونت به سمت طبقات پایین منتقل می‌نمایند. در این هنگام تعداد ۱۰ الی ۱۵ دانشجو به محافظت از سربازان می‌پردازند. این افراد به زیرزمین ساختمان ۱۴ که متعلق به انبار خوابگاه کوی بوده، انتقال داده می‌شوند. ورود یکی از افراد وابسته به گروه‌های شناخته‌شده در این زمان، آقای موسوی‌لاری از طریق معاون سیاسی استانداری نسبت به ورود نیرو به داخل کوی اطلاع یافته است. در این فاصله مذاکرات میان مسئولان سیاسی و انتظامی صورت می‌گیرد. از جمله وزیر محترم کشور تدابیری را به جانشین‌ناج اعلام می‌کند و نامبرده نیز این تدابیر را به فرمانده حاضر در صحنه ابلاغ می‌نماید. ورود نیروهای شخصی غیررسمی و ضرب‌وشتم دانشجویان توسط این افراد بر هیجانان و عصبانیت دانشجویان فوق‌العاده افزوده است. حضور آقای (….) از افراد شاخص وابسته به گروه‌های شناخته‌شده غیررسمی، در محوطه کوی با توجه به شناخته‌شدن وی نزد دانشجویان محرک‌زا بوده است».

ترور سعید حجاریان

۲۲ اسفند ۷۸ بود که سعید عسگر جلوی شهرداری تهران و هنگام ورود حجاریان به ساختمان شورای شهر او را ترور کرد. حجاریان پس انتقال به بیمارستان نجات یافت اما نیز ترور او را از لحاظ جسمانی بسیار ضعیف کرد. سعید عسگر پس از این ترور محاکمه و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. همدمست او که راننده موتورسیکلت حامل سعید عسگر بود، به ۱۰ سال زندان محکوم شد. عسگر پس از گذشت یک سال از زندان آزاد شد. سعید حجاریان درباره ترور خود می‌گوید: «معتقدم سعید عسگر در جریان ترور من کاره‌ای نبود. عسگر تنها ماشه بود. آنهايي که ماشه را کشیدند، مهم هستند. آنهايي که من را ترور کردند، افراد بی‌تجربه‌ای بودند… برای او ۱۵سال زندان در نظر شد. شما اما بعد از یک سال آزادش کردید. جالب اینجاست که ترور من حتی برای عسگر و همدمش پیشینه‌گیری هم به حساب نیامد». حجاریان در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود، ترورش را به‌دلیل پیگیری‌هایش در ماجرای قتل‌های زنجره‌ای دانسته بود: «ترور من دقیقاً به‌دلیل پیگیری‌های من در پرونده گروه‌های خودسر در موضوع قتل‌های زنجره‌ای بود. من در سال ۷۷ روزنامه صبح امروز را منتشر کردم که نقش مهمی در افشای قتل‌های زنجره‌ای داشت و فکر می‌کنم که کاملاً نتیجه‌بخش هم بود».

عسگر هم درباره ترور حجاریان گفته بود: «تلاش گروه ما به سرپرستی مجیدی (سید مرتضی) بر این بود تا پیرامون خود را از فساد پاک کنیم و اگر اقداماتی از این دست در شهری انجام داده‌ایم، با هدف پاک‌سازی جامعه از فساد بوده است… یکشنبه۲۲ اسفند سال گذشته [۱۳۷۸] ساعت هفت صبح من با اتوبوس و تاکسی به میدان حر رفتم و طبق قرار ساعت ۸:۰۲ مجیدی با یک موتور سوزوکی هم به آن‌جا قرار آمد. من به او گفتم مگر قرار نبود با هوندا ۱۲۵ بیایی؟ جواب داد که قرار عوض شد. با همان موتورسیکلت هم به نزدیکی ساختمان شورای شهر [خیابان بهشت] رفتم. ساعت ۸ و ۲۰ دقیقه یک نفر با بارانی سرمه‌ای آمد که مجیدی گفت او [محمدعلی] مقدمی است. مقدمی وارد ساختمان شورا شد و سپس بیرون آمد و با اشاره گفت که [سعید] حجاریان نیت‌نامه است. بعد از این یک خانم نیز با مقدمی صحبت کرد و به سمت شهرداری تهران رفت و سپس مقدمی با اشاره گفت حجاریان می‌آید و به‌دنبال آن او به سمت حجاریان رفت و با دادن نامه او را متوقف کرد… من نیز به سمت آنان رفتم و وسط خیابان ایستادم. اسلحه را مسلح کردم…».(روزنامه اطلاعات هفتم اردیبهشت ۷۹)

روزنه

مرور دیدارهای مقامات دولت دوازدهم با مراجع تقلید

در مسیر قم

● **شرق:** تماس و ارتباط مقامات دولتی با مراجع تقلید از برنامه‌های رایج مسئولان محسوب می‌شود؛ اما این روزها شرایط خاص کشور و شیوع ویروس کرونا، باعث شده دیدارهای حضوری لغو شود و به‌همین دلیل بود که اسحاق جهانگیری، معاون اول روحانی، با برخی آیات عظام در قم تماس تلفنی گرفت و با آنان به گفت‌وگو پرداخت. همیشه دیدار رؤسای جمهور با مراجع تقلید از برنامه‌های مهم آنان محسوب می‌شود. البته این دیدارها با توجه به اینکه دولت در تهران مستقر است و اکثریت آیات عظام تقلید در قم سکونت دارند با فواصل زمانی زیاد انجام می‌شود. حسن روحانی پس از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهوری در سال ۹۲ تاکنون چندین‌بار با مراجع دیدار داشته و گاهی تلفنی با آنان به گفت‌وگو نشسته است. بااین‌حال آخرین‌باری که او به قم سفر کرد و به منزل این بزرگان رفت، به اوایل خرداد ۹۶، درست چند روز بعد از انتخاب مجددش به‌عنوان رئیس‌جمهور برمی‌گردد. او فاصله زمانی بین دو دولت را غنیمت شمرد و به قم رفت تا با تعدادی از مراجع تقلید و استادان حوزه علمیه قم دیدار و گفت‌وگو کند. روحانی که با قطار به این شهر سفر کرده بود، بعد از زيارت حرم حضرت معصومه (س)، بر سر مزار آیت‌الله‌العظمی بروجردی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله مطهری حاضر شد و برای آنان فاتحه خواند. او سپس به بیت آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی، آیت‌الله‌العظمی وحیدخراسانی، آیت‌الله‌العظمی شبیری‌زنجانی و آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی رفت و با آنان گفت‌وگو کرد. این مراجع تقلید مختلفی در ایران وجود دارد، اداره کشور مشکل است و این وظیفه سگینی بر عهده شمامست. آیت‌الله‌عظمی صافی‌گلپایگانی هم گفت دولت باید برنامه‌های خود را با هدف رفع سریع مشکلات مردم با شتاب بیشتری ادامه دهد.

سفر روایت‌ها در قم

آبان ۹۶، چند ماهی از استقرار دولت دوم حسن روحانی گذشته بود که محمدباقر نویدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه به قم سفر کرد و در مجالس عزاداری شهادت اسام رضا (ع) در دفتر علما و مراجع عظام تقلید شرکت کرد. او سپس با آیت‌الله جوادی‌آملی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله مکارم‌شیرازی و آیت‌الله‌نوری‌همدانی دیدار و گفت‌وگو کرد. ایسا نوشت که آیت‌الله مکارم‌شیرازی در دیدار نویدی از فضای مجازی انتقاد کرده و آن را دامی سیاسی از سوی غرب دانسته و گفته بود: «متأسفانه غرب با تسلط فضای مجازی نيات شومى دارد و نمی‌توان نسبت به آنها خوش‌بین بود». ایشان پیشنهاد داده بود همان‌طورکه بسیاری از کارهایی که در گذشته امکان‌پذیر نبود، امروز انجام‌شدنی است، می‌توان با کارهایی فضای مجازی را ساماندهی و مشکلات فعلی و تهدیدهای آن را رفع کرد.

دیدار واعظی با مراجع تقلید

در تیرماه سال ۹۷، حسن روحانی، رئیس دفتر خود را راهی قم کرد تا با مراجع تقلید دیدار کند. محمود واعظی نیز در دیدار با آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله نوری‌همدانی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله علوی‌گرانی و آیت‌الله شبیری‌زنجانی گزارشی از اقدامات دولت ارائه کرده بود. آیت‌الله مکارم‌شیرازی، رئیس‌جمهور را فرزند حوزه و برخاسته از متن انقلاب دانسته و از دولت خواسته بود با نظارت و اشراف دقیق با گرانی مقابله کند. آیت‌الله سبحانی نیز گفته بود مشکلات امروز بیشتر از مشکلات سال‌های اول انقلاب و زمان جنگ نیست؛ اما برای عبور از آن باید سطح وحدت و همدلی بین مردم و نظام به سطح انسجام کشور در سال‌های اول انقلاب برسد. آیت‌الله شبیری‌زنجانی هم از وحدت گفته و گوشزد کرده بود که اگر اختلاف‌نظرها به سمت تفرقه پیش برود، بسیار مضر خواهد بود.

سفرهای هر ساله نهان‌دینار

در سال ۹۷، محمد نهاوندیان، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور نیز در روز اربعین، به قم سفر کرد و با آیت‌الله موسی شبیری‌زنجانی، آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی و آیت‌الله صافی‌گلپایگانی دیدار داشت. او در دیدماه سال ۹۸ نیز به قم رفت و با آیت‌الله صافی‌گلپایگانی، آیت‌الله جعفر سبحانی و نماینده آیت‌الله سیدعلی سیستانی در ایران دیدار کرد. نهاوندیان همچنین در سال‌های ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ زمانی که رئیس دفتر حسن روحانی بود، به قم رفته و با برخی مراجع تقلید قم به‌صورت خصوصی دیدار و گزارش از وضعیت کشور ارائه کرده بود. آیت‌الله جعفر سبحانی در دیدار سال ۹۵ بر ضرورت توجه به مسئله ازدواج جوانان، کاهش جمعیت و وضعیت حجاب در جامعه تأکید کرده بود و مرحوم آیت‌الله موسوی‌اردبیلی نیز توصیه کرده بود که مردم باید آرام‌آثار فعالیت‌های دولت در زنگی خود حس کنند.

دیدار روحانی با مراجع تقلید نجف

اردفرد ۹۷، فرصتی پیش آمد که رئیس‌جمهور به عراق سفر کند و به شهر نجف نیز برود. روحانی در این شهر همراه محمدجواد طریف به دیدار آیت‌الله سیستانی، از رهبران بزرگ شیعیان در عراق رفت و با ایشان گفت‌وگو کرد.

ادامه در صفحه ۳